

فهدا جامعه شناسی

داريوش يعقوبي
کارشناس ارشد
جامعه‌شناسی
و دبیر
بازنشسته
آموزش و
پرورش

ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد آموزش علوم اجتماعی
دوره ۱۵ شماره ۲
زمستان ۱۳۹۰

۲۸

۲۸

رشد آموزش علوم اجتماعی
دوره ۱۵
شماره ۲
زمستان ۱۳۹۰



اشاره

در پی مطالب شماره گذشته، در حوزه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، بر آنیم که اهداف این دانش نوین را از منظر آموزشی بررسی کنیم. این اهداف با سه رویکرد، کارکردی، نظام‌مند و سازمانی بررسی شده است. نویسنده در این حوزه به نظر می‌رسد که مدرسه را به مثابه یک نظام اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار داده و به‌عنوان مثال به نقش زنان در تعاملات بین معلم و دانش‌آموزان عمل بر عملکرد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر فراوانی دارد.

کلیدواژه‌ها: کارکردگرایی، نظام اجتماعی، نهادهای جامعه، نظام‌های آموزشی.

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی است که در واقع، دیدگاه تخصصی‌تر جامعه‌شناسی را نسبت به موضوع آموزش و پرورش شامل می‌شود. بنابراین، اهداف آن در چارچوب هدف‌های جامعه‌شناسی قرار دارد. اما این هدف‌های تخصصی شده کدام‌اند؟ برای پاسخ به این سؤال باید دید موضوع و هدف کلی این گرایش تخصصی علمی چیست.

از نظر جامعه‌شناسان، آموزش و پرورش یک پدیده یا نهاد اجتماعی است و هدف و قصد کلی آن، مطالعه، بررسی منظم و شناخت جامع و علمی فرایند آموزش و پرورش و روابط بین این پدیده اجتماعی به‌عنوان بخشی از جامعه یا جزئی از نظام اجتماعی بزرگ با کلیت جامعه است. البته این مطالعه با استفاده از نظریه‌ها و روش‌های جامعه‌شناسی صورت می‌گیرد. هدف کلی مورد اشاره دارای ابعاد جزئی‌تری است که در واقع ابعاد متنوع ارتباط نهاد آموزش و پرورش با نظام اجتماعی کل و روابط اجتماعی درون این نهاد را بازنمایی می‌کنند. بنابراین، در نوشته حاضر منظور از اهداف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش همین روابط است. با توجه به هدف کلی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چند بحث کلی را می‌توان از هم تفکیک کرد که اهداف جزئی در چارچوب هر کدام از آنها قابل ذکرند. این مباحث عبارت‌اند از:

الف کارکردهای آموزش و پرورش

جامعه‌شناسان معتقدند: نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی کارکردهایی در جامعه به‌عهده دارد که هر کدام از آنها نیازی از نیازهای نظام اجتماعی کل را برآورده می‌سازد. گرچه دیدگاه انتقادی جامعه‌شناسی همه این کارکردها را مثبت ارزیابی نمی‌کند، اما به‌هر



جامعه‌شناسان آموزش و پرورش تلاش می‌کنند نشان دهند که آموزش و پرورش چگونه می‌تواند گروهها، اقوام و خرده‌فرهنگهای مختلف جامعه را در چارچوب یک فرهنگ عام و مشترک گرد آورد و از این طریق نظام اجتماعی یگانه و منسجمی ایجاد کند.

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌تواند ضرورت یگانگی اجتماعی در جوامع مدرن را نشان دهد و فرایند ایجاد آن را با وجود تنوع قومی، نژادی و مذهبی مشخص سازد

صورت وجود این کار کردها قابل انکار نیست. در ادامه به این کار کردها اشاره می‌شود:

۱ جامعه‌پذیری

جامعه‌شناسان یکی از وظایف اساسی نهاد آموزش و پرورش را اجتماعی کردن کودکان و نسل جدید می‌دانند که این وظیفه را مدرسه در کنار سایر عوامل به انجام می‌رساند. جامعه‌پذیری نوعی یادگیری است که طی آن، ارزشها، نگرشها، هنجارها و آداب و رسوم نظام اجتماعی به نسل جدید منتقل می‌شود. بدین ترتیب، جامعه کلان از طریق فرایند جامعه‌پذیری به نسل جدید خود می‌آموزد که آنها وارد چه اجتماعی می‌شوند و چگونه باید عضوی از نظام اجتماعی کل شوند. به عبارت دیگر، جامعه از طریق جامعه‌پذیری، فرهنگ خود را به کودکان و نوجوانان می‌آموزد و موجب پایداری خود می‌شود.

بدین ترتیب مشخص می‌شود که یکی از اهداف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش بررسی فرایند جامعه‌پذیری و چگونگی انتقال فرهنگ یک جامعه به نسل جدید از طریق مدرسه و نهادهای آموزشی است. در این حوزه دیدگاهها و نگرشهای جامعه‌شناختی مختلفی شکل گرفته‌اند که به هرچه بیشتر روشن شدن فرایند اجتماعی شدن انجامیده‌اند. پی‌گیری این هدف کمک کرده است که جامعه‌شناسان نقش نهادهای آموزشی را در انتقال و تداوم فرهنگ و نقش جامعه کلان را در این مورد هرچه بیشتر روشن سازند.

۲ نظارت اجتماعی

کارکرد دیگر آموزش و پرورش ایجاد و اعمال نوعی نظارت اجتماعی است که توسط آن، جامعه می‌تواند اعضای خود را تحت کنترل درآورد. نهاد آموزش و پرورش با انتقال ارزشهای جامعه به نسل جدید و ایجاد وفاداری نسبت به نهادهای جامعه در آنها، باعث می‌شود افراد به نوعی سازوکار کنترل درونی مجهز شوند و بدین طریق اقتدار جامعه را بپذیرند و دست به تخریب آن نزنند. به بیان دیگر، نظام اجتماعی کل از طریق مدرسه و نهادهای آموزشی دیگر می‌تواند بر اعضای خود نظارت داشته باشد و از هم‌نویایی آنها

اطمینان حاصل کند. بنابراین، یکی از اهداف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش با دیدگاههای متفاوت، بررسی نقش نهادهای آموزشی در نظارت اجتماعی است؛ این که چگونه کودکان و نوجوانان با رفتن به مدرسه به آرامی تحت نظارت و کنترل جامعه درمی‌آیند، به طوری که این نظارت به کنترل پایدار و درونی در آنها تبدیل می‌شود. جامعه‌شناسان آموزش و پرورش می‌توانند نشان دهند که این فرایند چگونه است و آسیبهای آن کدام‌اند.

۳ یگانگی و وفاق اجتماعی

یکی دیگر از کارکردهای آموزش و پرورش کمک به یگانگی جامعه است. نهاد آموزش و پرورش رسمی، با تأکید بر فرهنگ مشترک، در تبدیل جامعه نامتجانس به جامعه‌ای متجانس نقش اساسی ایفا می‌کند یعنی یکی دیگر از اهداف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، روشن ساختن نقش نظام آموزش رسمی جوامع در ایجاد یگانگی اجتماعی است. در راستای این هدف، جامعه‌شناسان آموزش و پرورش تلاش می‌کنند نشان دهند که آموزش و پرورش چگونه می‌تواند گروهها، اقوام و خرده‌فرهنگهای مختلف جامعه را در چارچوب یک فرهنگ عام و مشترک گرد آورد و از این طریق نظام اجتماعی یگانه و منسجمی ایجاد کند. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌تواند ضرورت یگانگی اجتماعی در جوامع مدرن را نشان دهد و فرایند ایجاد آن را با وجود تنوع قومی، نژادی و مذهبی مشخص سازد.

۴ توسعه و پیشرفت

کارکرد مهم دیگر آموزش و پرورش کمک بی‌بدیل آن به توسعه اجتماعی و اقتصادی است. بنابراین بررسی نقش نظام آموزش و پرورش در فرایند توسعه جوامع را می‌توان از اهداف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش دانست. این گرایش جامعه‌شناسی تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه مدارس و نهادهای آموزشی نیاز جامعه را به نیروی کار ماهر و متخصص، با ترتیب افراد و آماده کردن آنها برای جذب در دنیای اشتغال، برآورده می‌سازند و بدین ترتیب باعث توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع می‌شوند.

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش الگوها و مدل‌های نظری را طراحی می‌کند و توضیح می‌دهد چگونه جوامع می‌توانند با استفاده از مدارس و به‌طور کل نظام آموزش و پرورش، برنامه‌های توسعه اقتصادی را طراحی و اجرا کنند. نمونه معروف و بارز این مورد نقش آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی و اجتماعی ژاپن است. در واقع آموزش و پرورش این قابلیت را دارد که تغییرات بنیادی و پایداری در جوامع ایجاد کند و جامعه‌شناسان به این قابلیت علاقه‌مند هستند. آنها در راستای هدف مورد بحث نشان می‌دهند که مدارس و نهادهای آموزشی چگونه می‌توانند در ابداع و نوآوری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی نقش آفرینی کنند و از این طریق توسعه و تغییرات پایدار به‌وجود آورند.

شاید به همین دلیل است که نظامهای آموزش و پرورش همیشه برای مدیران و برنامه‌ریزان اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. پس رابطه توسعه جوامع و تغییرات اجتماعی آنها با نظامهای آموزشی، از اهداف مهم جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است.

ب رابطه آموزش و پرورش با سایر نهادهای جامعه و اجزای نظام اجتماعی

جامعه‌شناسان معتقدند که آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد با سایر اجزای جامعه رابطه دارد. یکی دیگر از اهداف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، پرداختن به مباحث مختلف در حوزه چنین روابطی است. این گرایش جامعه‌شناسی قصد دارد نشان دهد که نظام آموزش و پرورش چگونه از نهادها و اجزای دیگر جامعه تأثیر می‌پذیرد و چگونه بر آنها تأثیر می‌گذارد.

جامعه‌شناسان این حوزه تلاش می‌کنند آشکار سازند که فرایند این کنش و واکنش چگونه است. برای مثال، نظام آموزش و پرورش چگونه از ساختار طبقاتی یک جامعه متأثر می‌شود و به چه شیوه‌ای در باز تولید طبقه می‌تواند ایفای نقش کند؟ دین چگونه می‌تواند از طریق نهاد آموزش و پرورش ارزشهای خود را در میان نسل جدید تعمیق بخشد و در جامعه تداوم دهد؟ نهادهای سیاسی چگونه می‌توانند در ساختار آموزش و پرورش تأثیرگذار باشند و خود از عملکرد آن متأثر شوند؟ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، با هدف قرار دادن بررسی ارتباط بین نهادها و اجزای نظام اجتماعی با نظام آموزش و پرورش، توانسته است مباحث مهم بسیاری مطرح سازد که روشن‌گر مسائل مختلفی هستند؛ مسائلی که قبل از پرداختن جامعه‌شناسان به این حوزه تخصصی، تا حدود زیادی از دیده‌ها پنهان و اسرارآمیز مانده بودند. اکنون جامعه‌شناسان آموزش و پرورش می‌توانند با توجه به مفهوم‌سازی، نظریه‌پردازی و اطلاعات موجود، توضیح دهند مدارس چگونه می‌توانند در شکل‌گیری جامعه مدنی نقش بازی کنند. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، با بررسی ابعاد گوناگون رابطه نظام سیاسی با نظام آموزش و پرورش، قادر است به‌وضوح نشان دهد که چگونه مدارس می‌توانند در مشروعیت نهاد سیاسی اثرگذار باشند.

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش روشن می‌سازد که مدارس با تربیت نخبگان و هدایت آنها به طرف نقشهای سیاسی، و تبلیغ و انتقال ارزشهای سیاسی، توانایی دارند که در درازمدت تحولات سیاسی بنیادی ایجاد کنند. البته در این فرایند، همین نهاد سیاسی ایجاد شده نیز، نظام آموزش و پرورش را در راستای اهداف خود دگرگون می‌سازد. این جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است که می‌تواند به‌صورت علمی توضیح دهد که چرا نگاه دانش‌آموزان جوامع غربی نسبت به عدالت، با نگاه دانش‌آموزان کشورهای در حال توسعه شرقی متفاوت است و نقش نهاد آموزش و پرورش در این میان چیست.

ج مدرسه به مثابه سازمان و نظام اجتماعی

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در تلاشهای اخیر خود مطالعه مدرسه را نیز به عنوان نظام اجتماعی، جزو اهداف خود قرار داده است. جامعه‌شناسان این حوزه برانگیخته شده‌اند تا نسبت به ابعاد و آثار کنش متقابل در مدرسه، شیوه‌های اعمال اقتدار و انضباط در آن، و عوامل تأثیرگذار در انتخاب شیوه‌های انضباطی و چگونگی تعامل در این نظام اجتماعی کوچک، معرفت علمی کسب کنند.

در مدرسه کودکان و نوجوانان گروههای مختلف اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند. در این تعامل خرده‌فرهنگها مبادله می‌شوند و افراد تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند. برای جامعه‌شناسان مهم است که بدانند این گونه تعاملات چه تأثیری بر هویت‌یابی و شخصیت کودکان و نوجوانان می‌گذارد. به عبارت دیگر، افراد پس از ورود به این نظام اجتماعی کوچک چه تغییراتی پیدا می‌کنند. علاوه بر این، مدارس به عنوان یک سازمان می‌توانند ساختارهای متفاوتی داشته باشند. مطالعه و بررسی این سازمان، توزیع نقشها، سلسله‌مراتب سازمانی و روابط بین نقشها نیز برای جامعه‌شناسی آموزش اهمیت دارد؛ به‌طوری‌که این مطالعه نیز جزئی از اهداف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تلقی می‌شود.

برای جامعه‌شناسان این حوزه جالب است روشن شود که کیفیت روابط بین اولیای مدرسه و دانش‌آموزان چه نتایجی برای جامعه به بار می‌آورد. کاربرد هر کدام از شیوه‌های انضباطی در مدرسه، چه اثری بر شخصیت دانش‌آموزان می‌گذارد و این روش انضباطی از طریق نظام شخصیت کودکان و نوجوانان چگونه جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ چه عواملی در انتخاب الگوهای اعمال اقتدار در مدارس تأثیرگذار هستند؟ نقش ساختارهای خرد و کلان در گزینش و اعمال اقتدار چیست؟

جامعه‌شناسان آموزش و پرورش از دیدگاه‌های مختلف سعی می‌کنند به سؤالات مورد اشاره پاسخ دهند تا به معرفت بشری در این حوزه بیفزایند. نتیجه این گونه مطالعات در سازمان‌دهی مدارس، چگونگی تعامل در آنها و تعیین انتظارات جامعه از مدارس و نظام آموزش و پرورش، تأثیر بسزایی دارد. شاید به همین خاطر است که جامعه‌شناسان متأخر با هدف قرار دادن تحلیل مدارس به‌عنوان یک سازمان و نظام اجتماعی، در تلاش‌اند به کشفیات مهمی در این حوزه دست یابند. برای مثال، توجه به نقش زبان در تعاملات بین معلم و دانش‌آموزان و تأثیر این رابطه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، توجه زیادی را به خود جلب کرده است؛ این که طبقات اجتماعی مختلف با ارائه الگوهای زبانی متفاوت، چگونه عملکرد مدرسه را در دست‌یابی به اهداف آموزشی خود تحت تأثیر قرار می‌دهند. این گونه معرفتها و روشنگریها به برنامه‌ریزان اجتماعی کمک می‌کنند با آگاهی از مسائل موجود برای حل آنها و بهبود شرایط اهتمام ورزند.

منابع در دفتر مجله محفوظ است.